

چکیده آموزش‌های زرتشت

ترجمه هاشم رضی

ادموند بردو زیکلی Edmond Bordeaux Szekeli استاد فقید دانشگاه کالیفرنیا، دربارهٔ دین زرتشت و آموزش‌های پیامبر بزرگ ایران و خط و زبان اوستا، دارای نظرات بسیار بدیع و تازه‌ای بود. از جمله آثار این استاد والامقام که متأسفانه در ایران ناشناس مانده مجموعه‌ای شش جلدی است که به سال ۱۹۵۳ میلادی در آمریکا به چاپ رسیده است زیر عنوان: *The World Picture of Zarathushtra*. ترجمه حاضر، فصل سوم از کتاب اول است.

هم‌اکنون حدود یکصد هزار تن زرتشتی در اطراف بمبئی و هندوستان زندگی می‌کنند که بامدادان هنگام برخاستن، نخستین کلماتی که به‌گونهٔ نماز و دعایی بر زبان‌شان جاری می‌شود چنین است:

پیروز باد اورمزد، نابود باد اهریمن

این ستاینندگان، از جمله پیروان دیانتی هستند که روزگاری آیین بزرگ جهان بود. دین زرتشتی و کتاب اوستا برای زندگی روزانه و سلوک این مردم، بیش از یک‌دین و یک کتاب مقدس، آن‌چنانکه در عرف و رسم است آموزنده می‌باشد، چون این آیین برای زرتشتیان کلا راهی است جهت بهتر زیستن.

واژه *Religion* از ریشهٔ لاتین *Religio* می‌باشد که این نیز از واژهٔ لاتین *Religere* آمده است به‌معنی **نزدیک کردن و پیوند دادن**.

هرگاه از آیین زرتشتی سخن می‌گوییم، اگر به معنی اصلی و سادهٔ آن توجه داشته باشیم، آموزش‌های زرتشت را می‌نگریم و در می‌یابیم که به‌راستی انسان را به‌جهان بی‌بوند می‌دهد و هرگونه نمود و حرکت آدمی را با همهٔ نیرو-های طبیعت و کیهان نزدیک می‌گرداند، و این در واقع نیست جز معنی واقعی واژهٔ **اوستا** که در زبان کهن این کتاب مقدس به‌مفهوم **کتاب زندگی** تعبیر و معنی می‌شود.

اوستا مجموعاً دربردارندهٔ بخش‌های جداگانه‌ای است که هربخش به تکه‌هایی ویژگی دارد که هر تکه نیایشی است و ترکیب این نیایش‌ها اوستا را به‌گونهٔ یک روش دائرةالمعارفی درآورده است.

نیایش مادر زندگی

نخستین نیایش موردنظر، نیایش **مادر زندگی** است. آنچه که از نیایش مادر زندگی مستفاد می‌شود، خاک است. بهتر گفته شود زمین و خاک زراعتی. برپایه و بنیان آموزش‌های زرتشت، مبنای همه تجلیات زندگی بر روی این سیاره ما، زمین خوب و یا خاک حاصلخیز و زراعتی است. آنچه که خوراک جهان گیاهی و جانوری، و همچنین جهان انسانی را در سراسر تمدن‌ها و دوران‌ها تأمین می‌کند، براساس و متکی است به این چند وجب زمین. این لایه نازک خاک. غذای مورد نیاز گیاهان را تدارک می‌کند که گیاهان نیز به نوبه خود تغذیه جانوران را تأمین می‌نماید. آدمیان نیز از گیاهان و فرآورده‌های غذایی جانوران چون: شیر و تخم‌مرغ و... خوراکشان فراهم می‌شود. برپایه گفته‌های زرتشت چیزی جادویی و سحرآمیز در این خاک زندگی دهنده وجود دارد، که از آن همه‌چیز می‌آید، و بدان همه‌چیز باز می‌گردد.

اوستا برای این جریان مداوم جهانی، اصطلاح **چرخ زندگی** را به‌کار برده است که به‌وسیله آن انرژی‌های زندگی‌ساز گوناگون از خاک به‌درون گیاه و جهان جانوری سفر کرده و از آن‌جا دوباره به خاک برمی‌گردند.

نیایش آب زندگی

به‌موجب اوستا، توأمان یا هم‌زاد نیایش **مادر زندگی** نیایش **آب زندگی** است. بدان جهت که زرتشت در نگرش‌های اندیشه‌ای خود دریافت که آب به عنوان حامل زندگی، از خاک کم‌اهمیت‌تر نمی‌باشد، و خاک فقط در مجاورت و باحضور رطوبت است که حمل برمی‌دارد و شمر می‌دهد. رطوبت عنصرسحرآمیزی است که خاک را قادر می‌نماید تا تولید شکل اولیه همه تظاهرات زندگی را به منصفه ظهور رساند. بنابر تفکرات و یادکردهای زرتشت، رطوبت است که در شکل گرفتن و جوانه‌زدن و شکفتن دانه‌ها (تخم‌ها) و در اسپرم جانوران نقش داشته و وجود دارد. همین عنصر - در جریان‌های زیرزمینی، در جویبارها، رودها، اقیانوس‌ها و باران، شکل‌دهنده و به ثمر رساننده زندگی گیاهی، جانوری و انسانی است. برابر با آنچه که از سرودهای اوستایی درباره نیایش «آب زندگی» بر می‌آید، جلوه‌های گوناگون گردش آب در طبیعت توصیف شده است - و این چنین جریانی در مقیاسی کوچک‌تر، به‌گونه گردش خون در ساختمان همه موجودات زنده وجود دارد.

نیایش پدر زندگی

نیایشی دیگر در اوستا، **نیایش پدر زندگی** است. آنچنانکه زرتشت بیان کرده، همانگونه که خاک و آب در ریشه و بنیاد همه جلوه‌ها و تظاهرات زندگی نقش سازنده دارد، نیروی سومی نیز در این سازندگی مؤثر است و آن خورشید یا انرژی خورشیدی است، یعنی انرژی و نیرویی که بدون آن زندگی در این سیاره ممکن نخواهد بود. به واسطه خاصیت اشعه و نیروی خورشیدی است که جریان‌های متفاوت و گوناگون و سحرآمیز زندگی و حرکت در گیاهان و درختان آغاز شده و ادامه می‌یابد. انرژی خورشیدی گذشته از آنکه در شکل‌گیری زندگی گیاهی، جانوری و انسانی نقش سازنده‌ای دارد، بلکه تعیین‌کننده مسیر این زندگی نیز هست. خورشید است که درجه حرارت و گرمایی دلخواه و مناسب را جهت ادامه زندگی می‌آفریند. کمی و کاستی حرارت خورشید، در آن در جایی که برای روند و ادامه زندگی لازم است، مسلماً موجب تباهی و از بین رفتن حیات می‌شود. تغییرات در فزونی و کاستی درجه دمای خورشید است که روز و شب و فصول را پدید می‌آورد. خورشید نیروی سازنده‌ای است که بر همه تظاهرات و جلوه‌های زندگی ورشد و رویش گیاهان و جانوران نقش تعیین‌کننده دارد. در سرودهای فراوان اوستایی که **نیایش پدر زندگی** را دستاورد کرده‌اند، این نیروی طبیعی جهانی، به‌عنوان عنصر بزرگ زندگی‌بخش مورد استمداد و احترام و تقدس مردم قرار گرفته و بسا جشن‌ها برایش وجود داشته و دارد.

نیایش نفس زندگی

از جمله نیایش‌های دیگر، **نیایش نفس زندگی** است. منظور از این ترکیب، روشن‌تر بیان شود، هوا یاب‌طور دقیق‌تر، در ارتباط با «جو» می‌باشد. از دیدگاه زرتشت، جو عهده‌دار تمام ارزش‌های حیاتی است که زندگی را آفریده و نگاهداری و تضمین می‌نماید. هنگامی که نفس می‌کشیم و هوا به‌درون می‌فرستیم، همه انرژی‌های جو را به‌بدن منتقل می‌سازیم [به گفته شاعر عالی‌قدر، سعدی: «**هرفنسی که فرو می‌رود مهد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات**»] آن چنانکه در اوستا آمده:

جایی که نفس هست زندگی هست، جایی که زندگی هست نفس هست. نفس‌کشیدن عین حیات است.

مطلب فوق این حقیقت را بیان می‌کند که اصل تنفس، لازم‌ترین و اساسی‌ترین نشانه زندگی می‌باشد. برپایه مفاهیمی که از اوستا مستفاد می‌شود، تنها منطقه سیاره ما که شرایط داشتن زندگی را واجد شد، منطقه جو زمین است. فراز یانفرد این کمربند زندگی غیرممکن است. در اوستا به‌دانش تنفس اشاره شده

است. و این امر از دیدگاه زرتشت به عنوان بزرگترین منبع انرژی تلقی می‌شود. برابر با آنچه که از اوستا در این باره مستفاد می‌شود، هواسریع‌ترین چیزی است که حامل زندگی می‌باشد، و در ساختمان بدن آدمی دستگاه کامل گیرنده‌ای وجود دارد که جهت جذب و استفاده آنی است از تقریباً تمام منابع گسترده حیاتی و انرژی‌هایی که در جو زمین موجود است و بقای زندگی را تضمین می‌کند.

نیایش آتش زندگی

از ویژه‌ترین نیایش‌های اوستایی، **نیایش آتش زندگی است**. این عنوان در زبان زند باستان [اوستا] دقیقاً همان معنی را داراست که ما از واژه مرکب **نیروی زیست درک** می‌کنیم. آنچه که واقعاً دردناک و غم‌انگیز و درعین حال مسخره است، دریافت‌ها، استنباط‌ها و تفسیرهایی است که پارسیان جدید، نویسندگان گوناگون یونانی و زبان‌شناسان معاصر و خاورشناسان از این عنوان کرده‌اند و مفهوم اصلی و راستین این اصطلاح به‌خاطر و ذهن هیچ دسته‌ای از نامبردگان راه نیافته است.

یک اشاره بسیار مهم در اوستا موجود است. این بیان آن است که پیروان دین هر روز باید «آتش زندگی» را با خالص‌ترین عناصر روشن و فروزان نگاه دارند. هرگاه می‌خواهند شعله‌ای بی‌فروزند، باید از چوب‌های خشک و خوش‌بو که بی‌دود می‌سوزند استفاده کنند. به‌مزدیسان تکلیف است که باید هر روزه آتش زندگی را با هشیاری و خلوص، روشن و برقرار دارند.

از این اشارات، نویسندگان یونانی برداشتی ظاهری کردند و این دریافت برای‌شان حاصل شد که زرتشت پیروان خود را ملزم بدان کرده است که به‌عنوان یک رسم عبادتی، هر روزه با چوب‌های خشک و خوش‌سوز و خوش‌بو، آتش بی‌فروزند. به‌پیروی و تبعیت این متقدمان، تنی چند از خاورشناسان نامی نیز در آثارشان همین تلقی و برداشت را نوشته‌اند، و حتی در هندوستان فرقه و گروهی نیز هستند که به‌همین ترتیب در افروختن آتش و فروزان نگاهداشتن آن با وسواس عمل می‌کنند.

این عمل آن‌قدر از آموزش‌های راستین زرتشت در اوستا به دور است که کلیساهای کنونی از خلوص و سادگی تعالیم عیسا فاصله دارد. از روی متن‌های اصلی اوستا که آخرین اکتشافات باستان‌شناسی آن‌ها راتائید می‌کند - منظور زرتشت از **آتش زندگی**، نیروی زیست بوده است نه یک ماده خارجی، یعنی آتش. هنگامی که اوستا می‌گوید: «**آتش زندگی را با چوب‌های پاک برپادار**»، به این معنی است که ما باید جریان‌های حیاتی تن را فقط با غذای طبیعی که قبلاً برای نیروی زیست انسانی مناسب داشته و شایسته بوده است بی‌رویم. آتش سمبل و نشانه‌واره پاکی در روحانیت آدمی است، همچنانکه نیروی زیست

در زبان اوستایی نشانه و کنایاتی است برای پاکی تن.

در بخش‌هایی از اوستا که نیایش «آتش زندگی» مورد بحث قرار می‌گیرد، هزاران سال پیش از هیپوکراتس Hipocratos [بقراط] که معمولاً پدر پزشکی خطاب می‌شود، دانش پزشکی به‌گونه گسترده‌ای بنیان یافته و شناخته شده و با رسمیت بوده است. با همین قیاس، وضع کشاورزی نیز چنین بوده. کشاورزی زرتشتی، در واقع نخستین روش طبیعی کشاورزی علمی را نشان می‌دهد. روشی که پیدایش دوباره‌اش را امروزه در آموزش‌های جدید در همه‌جا مشاهده می‌کنیم. در بخش‌هایی از اوستا که حالیه در شمار قسمت‌های از دست رفته محسوب می‌شود شرحی از خوراک‌های طبیعی گوناگون و نخستین روش تغذیه صحیح وجود داشته است. همچنین جهت حفظ تندرستی و درمان درست، گزارش‌های منظمی از آفتاب‌درمانی، آب‌درمانی و طرق دیگر درمان‌شناسی‌های مبتنی بر اصول پزشکی و درمانگری طبیعی مندرج بوده است. روش درمان به شیوه امساک و روزه‌داری نیز از اصولی بوده که مورد نظر بوده است. بنابراین گفته و آموزش‌های زرتشت، هنگامی بدن غذاهای غیرطبیعی و ناسالم که نیروی زیست را مختل و نابیه‌سامان می‌سازد مصرف کرد، روزه‌گرفتن بهترین روش برای دوباره‌سازی و پاک نمودن آتش زندگی است. درست همچون بهترین راه برای پاک و پاکیزه کردن آتشی که به وسیله مواد بد و ناسالم کثیف و پر دود و بو شده باشد. برای پاکی چنین آتشی، پیش از نهادن سوخت خوب و سالم، نخست باید بگذاریم تا سوخت آلوده پیشین کاملاً بسوزد و تمام شود.

نیایش برادر درخت

نیایش دیگری در اوستا که بسیار جالب می‌باشد نیایش برادر درخت است. بنابراین گفته‌های زرتشت، انسان‌ها و درختان به‌مثابه برادران هستند و بدون یاری و تعاون هم، توانا به‌زندگی درست و توسعه‌یافته‌ای نمی‌شوند. درخت نمونه‌ای کامل در شکل زندگی گیاهی است و به‌همان‌گونه، در جهان جانوری نیز، انسان نمودار بالاترین درجه تکامل شناخته می‌شود. عالی‌ترین و مناسب‌ترین شکل خوراک نیز در سیاره ما، فرآورده‌های درختی، یعنی انواع میوه‌ها و گیاهان است، و انسان به‌عنوان کامل‌ترین نمونه در جهان جانوری، باید از چنین خوراکی تغذیه کند - و تعاون آدمی در گسترش زندگی گیاهی، موجب پیدایش سازگارترین محیط برای زندگی به‌روی زمین می‌شود.

در اوستا به‌موجب آموزش‌ها و نقطه‌نظرها، «درخت خود قانون است». به‌این مفهوم که زندگی یک درخت در هم‌آهنگی کامل با نیروها و قوانین طبیعت است. دگرگونی یک درخت، کامل‌ترین نمایش خود زندگی می‌باشد. افزودن بر بار آوردن کامل‌ترین و مناسب‌ترین خوراک برای انسان، درختان حاصل-

خیزی و رویش و نیروی زیست خاک را برای بقا و پایداری فراهم می‌کنند. آن‌ها از زمین در برابر خشک شدن به‌وسیله خورشید و باد محافظت کرده و رطوبت زندگی‌ساز خاک زراعی را با فرس ادواری و دوره به دوره برگ‌ها و میوه‌های فروافتاده و شخم ریشه‌ها نگاه‌داری می‌کنند. ریشه‌ها در واقع سازنده‌ترین عامل تنظیم و بر خورداری از آب و رطوبت زمین است و بدین وسیله می‌باشد که شرایط کامل زندگی، در یک خاک غنی و سرشار و سالم به‌وجود می‌آید.

در اوستا چندین سرود در ستایش درخت به‌عنوان برادر انسان وجود دارد. به‌موجب این سرودها، قطع درختی بدون آن‌که حداقل دو درخت دیگر به جایش غرس شود، یک جنایت و یک کردار اهریمنی است. برپایه همین آموزش‌ها، هر پدری به هنگامی که دارای فرزندی می‌شود، لازم است به‌یادبود چنین واقعه‌ای، درختی بکارد و این کاشت در هر زادروز کودک تکرار گردد. وقتی که چنین فرزندی به بیست و یک سالگی رسید، پدر مکلف است زمینی را که درختان در آن غرس شده و پرورش یافته، به‌وی به‌عنوان میراثی ببخشد، بدان‌عنوان که این وسیله‌ای برای امرار معاش و گذران روزی گردد، هرچند که به‌مساحت و اصله، زمین و درخت کم باشد. اما این سمبل و نشانه‌ای است و آموزشی خردمندانه به‌فرزند جهت استمرار یک سنت طبیعی نیکو و یک روش درست در زندگی. این درواقع یک رسم باستانی است مربوط به‌نیاکان دور و ابتدایی‌مان که به‌وسیله کسانی چون: داروین، لامارک، کوویه و دیگر دانشمندان عصر جدید تأیید شده است.

نیایش دارنده زندگی

نیایشی در اوستا، از جمله نیایش‌ها که از اهمیت بیشتری برخوردار است، نیایش «دارنده زندگی» است. در اوستا واژه مرکب دارنده زندگی، اصطلاحی است که برای مقام آدمی کاملاً بر زندگی دارد. برابر با عقاید زرتشت، انسان به‌همان نسبت بخشی از طبیعت است که جانوران و گیاهان - اما در واقع با این که چون جانور و گیاه از اجزاء طبیعت به‌شمار می‌رود، لیکن بخش مهم‌تر مورد توجه‌تری است و آن میوه هوش و تفکر است در انسان، چون در انسان، طبیعت هوشیار شد. به‌همین جهت است که انسان نه‌برآنکه قوانین طبیعت را مشاهده و دریافت کرده و با تطابق خود با آن قوانین، زندگی‌اش را شکل می‌دهد، بلکه به‌هنگام ضرورت، این قوانین را جهت ادامه مسیر زندگی خود، تغییر شکل می‌دهد.

بنابراین ریشه‌های زرتشت، آدمی نماینده خداوند است بر روی زمین، که کار آفرینش و سازندگی را هم‌چنان ادامه می‌دهد. پیش از پیدایش انسان تکامل سیاره ما حاصل فعل و انفعال تمام نیروهای طبیعی و کیهانی بود. آن‌چه که از اوستا برمی‌آید انسان از هنگام پیدایشش، زندگی زمینی را به‌موجب تطبیق آن بر اساس نیازمندی‌هایش - و برپایه دریافت و ادراکش از قوانین طبیعی و

کیهانی دگرگون کرده است. و این نیست جز تکرار این مفهوم و بیان اوستایی که: «بر روی این سیاره، آدمی است که کار آفرینش را ادامه می‌دهد.» بنابراین مطالب اوستا، به این وسیله برای انسان کتاب قانونی معنوی و بزرگ و بی‌نهایت ساده فراهم شد. کتابی نه تنها معنوی، بلکه قابل اجرا که گوهر قوانین طبیعی و کیهانی را بیان کرده و در ضمن روش و راهی را پیش می‌آورد مطابق با سرنوشت آفریننده انسان.

همه نیایش‌های اوستایی براساس این قوانین قرار دارد، که نه تنها راه زندگی را برای فرد آشکار می‌سازد، بلکه همچنین روابط میان فرد و فرد، میان فرد و خانواده، میان خانواده و جامعه، میان جامعه و رهبرانش یا هیأت حاکمه را تعدیل و تنظیم می‌نماید. طبق گفته زرتشت، به وسیله مشاهده این ادراکات - اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک - آدمی کار آفرینش را به روی این کره زمین ادامه خواهد داد. به موجب اوستا، این کتاب قانون معنوی عنوان اصالت انسان است و برای او انجام نقش باشکوهش را به عنوان نژاد مسلط به روی زمین ممکن می‌سازد.

نیایش نور زندگی

نیایش بعدی در اوستا، نیایش انسانیت است. یا چنانکه در متن اوستا می‌یابیم، **نیایش نور زندگی**. آیا نور زندگی چیست و چه منظوری را بیان می‌کند. برابر با آنچه که زرتشت می‌گوید، زندگی ما نه تنها به وسیله آنچه ما می‌اندیشیم، می‌گوییم یا انجام می‌دهیم معلوم می‌شود، بلکه همچنین و در درجه بالاتری به وسیله اندیشه‌ها، گفتارها، کردارها، تجارب، اختراعات و دستاوردهای طولانی نیاکانمان که نماینده کل تمام نسل‌هایی است که ما به دنبال‌شان آمده‌ایم شکل می‌گیرد و تعیین می‌شود. تجارب و رسوم و اختراعات و سنت‌هاشان پایه‌ها و ارکان زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهد. کل ثروت‌هایی که توسط نسل‌های پیشین به ما رسیده و امروزه آن‌ها را فرهنگ می‌نامیم، در اوستا، تحت عنوان «نور زندگی» بیان شده است.

زرتشت می‌گوید، این نور پیوسته از دورترین روزگار به ما تافته و درخشش آن برای ما ممکن می‌سازد که همه دانایی و تجارب نسل‌های گذشته را در اختیار داشته و از آن برخوردار باشیم - بدون نیاز به این که آنچه را که آن‌ها قبلاً در طول هزاران سال، کوشش کرده و ثابت نموده‌اند، مجدداً با صرف زمان و نیرو و تفکر تجربه نماییم.

به موجب آموزش‌هایی که از اوستا مستفاد می‌شود، بر همه ضرور است که به «نور زندگی» که نماینده کل ارزش‌های تمام آثار بزرگ همه اعصار و ملل و اقوام است احترام بگذارند و این کار را می‌توان به وسیله مطالعه و انتشار و

دریافت و تفکر و ترجمه آن آثار و آموزش‌شان انجام داد. از دیدگاه زرتشت بزرگ‌ترین و نابخشودنی‌ترین گناهی که به‌خاطر آن می‌توان مقصر بود، غفلت است. غفلت از نور زندگی و محدود کردن آن‌تنها به چند شعاع نور، در صورتی که باید در فراگیری و اشاعه کل آن کوشش شود.

آیین زرتشی، آزادترین و جامع‌ترین فلسفه جهان باستان را دربارهٔ روش زندگی ارائه می‌دهد. آیا در آیین‌های بزرگ روزگار کهن و یا حتی دوره‌های نو، این اصرار و تأکیدی را که در آیین زرتشت وجود دارد می‌یابیم که هر پیروی، جز دین خود، باید به آموزش‌ها و فلسفه سایر ادیان نیز احترام نهاده و آن‌ها را مطالعه نموده و فراگیرد؟ بسیاری از مذاهب روزگار کهن و نو صفت ممیزه و مشخصه‌ای دارند که همانا تعصب است، اما در تعالیم زرتشت تعصب یافت نمی‌شود. مطالب مربوط به نیایش نور زندگی در بخشی از اوستا زیر عنوان **ویسپرد Visparad** آمده که مترادف دقیق اصطلاح **Ominiscience** (= دانش بی‌پایان - علم لایتناهی - همه‌چیز دانی) می‌باشد.

نیایش زندگی جاودان

نهمین و آخرین نیایش در اوستا، **نیایش زندگی جاودان** است. این نیایش به‌شکل گسترده‌ای در روزگار باستان شناخته شده بود و در آثار نویسندگان قدیم یونانی، به‌بیشتر مطالبی که راجع به آیین زرتشتی اشاره می‌شود مربوط است به این نیایش. براساس گفته زرتشت زندگی امتیاز منحصر به‌فرد این سیاره نیست - سیارات و منظومه‌های خورشیدی شمارش‌ناپذیری در کیهان بی‌پایان وجود دارد و در آن‌ها زندگی به‌صور گوناگون یافت می‌شود. زرتشت می‌آموزد که زندگی یک نوع انرژی کیهانی است و هر جا که شرایط مناسب زیست وجود داشته باشد، پدیدار خواهد شد و شکل خواهد یافت. در واقع زندگی حاصل یک عمل کیهانی است، یک ماده لاینفک و جدانشدنی جهان و وحدت جهانی وجود دارد که پیوند دارد و در ارتباط است با تمام اشکال گوناگون زندگی در هر سیاره‌ای. سیاره‌ها و منظومه‌های خورشیدی واقعی ممکن است ناپدید شده و یا پدیدار گردند و به‌همین‌گونه زندگی روی آنها - اما زندگی خود پدید آمده و ناپدید می‌شود به‌طور ابدی، در حالی که تغییر سیارات و منظومه‌های خورشیدی به‌جاودانگی جهان می‌باشد و انسان بخشی است از این زندگی جاودان - که از این اقیانوس کیهانی و جهانی شکل می‌یابد به‌وسیلهٔ کل و تمام صور حیات به روی تمام سیارات. زیباترین سرودها در اوستا در قسمت‌هایی یافت می‌شود که ویژگی دارد به **نیایش زندگی جاودان**.